ادامه از صفحه ۶

روحانی میراث‌دار یک دولت ویرانگر

در وهله نخست باید دانست که اصلاح‌طلبی یک مشی است و احزاب متعدد می‌توانند این مشی را بپذیرند و در مقام اجرا روش‌های موردنظر خود را اِعمال کنند. در کشورهای توسعه‌یافته احزاب تعیین‌کننده نظام مدیریت کشورند. حضور احزاب در سیستم یک کشور می‌تواند پشتوانه فکری قدرتمندی برای دولت‌ها باشد؛ در واقع احزاب کارکرد دولت در سایه را دارند و تمام عملکرد دولت را به‌طور دائم ارزیابی می‌کنند. در ایران اصلاح‌طلبان و اصولگرایان فاقد چنین شرایطی هستند. شورای شهر با تکیه بر کدام بدنه کارشناسی حزبی فعالیت می‌کند؟ امروز شورای شهر به‌طور اسمی در اختیار اصلاح‌طلبان است اما هیچ نیروی حزبی پشتیبانی‌کننده‌ای وجود ندارد که عملکرد آنها را دائما ارزیابی کند و پشتوانه فکری آنها باشد. راه برون‌رفت اصلاح‌طلبان از این مشکلات، تشکیل جبهه اصلاحات با یک ساختار دموکراتیک و با پشتیبانی تمام احزاب اصلاح‌طلب و شخصیت‌هاست؛ چنین ساختاری می‌تواند با تشکیل اتاق‌های فکر یاری‌رسان فراکسیون امید در مجلس و شورای شهرهای بزرگ ایجاد شود تا بتوانند پشتیبانی فکری کنند. درصورتی‌که ارکان ذی‌مدخل در همه امور کشور اجازه دهند، آنها امکان انتخاب شهردار مناسب را هم خواهند یافت.

شما می‌گویید که نبود کارکرد حزبی باعث تضعیف اصلاح‌طلبان شده است؛ اما آنچه در شورای شهر فعلی با حواشی انتخاب شهردار مشاهده شد، فرای مشکلات نبود تحزب در ایران است. شاید مردم انتظار دارند که دست‌کم اصلاح‌طلبانی که قدرت مدیریت ندارند، مانند رقیب سنتی خود سودای میز و صندلی مدیریت نیز نداشته باشند و برای رسیدن به منصب‌های مدیریتی اخلاق سیاسی را زیر پا نگذارند. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اتفاقا همین شرایطی که شما به آن اشاره می‌کنید، نیز به دلیل نبود تحزب واقعی در ایران است. وقتی حزب به معنای صحیح و با سازمانی قوی وجود داشته باشد و تربیت کادرهای حزبی در دستور کار آنها باشد، افرادی روی کار می‌آیند که به جای منافع شخصی، منافع ملی را در نظر می‌گیرند. اگر حزب توانمند وجود داشت، از دل آن تنازع بقا به وجود نمی‌آمد؛ بلکه ائتلافی بزرگ برای ایجاد پتانسیل بالاتر رقم می‌خورد؛ درحالی‌که درحال‌حاضر اکثریت افراد سهم‌خواهی می‌کنند و بسیاری سودای مناصب مدیریتی دارند. این هم به خاطر نبود احزاب باسابقه و نبود امکان تربیت کادرهای حزبی و آموزش افراد و ارتقای آنهاست. با دانستن تمام این موارد باید گفت تا طی‌شدن این مراحل راهی طولانی در پیش داریم و امیدوارم وجود فضای مجازی و تغییرات حادث‌شده در نظرسنجی‌های یک سال اخیر که حاوی نکات درخورتوجهی در جامعه است، بتواند ساختار جدیدی از نسل‌های جدید برای کشور به وجود بیاورد.

آینده شهرداری تهران را چگونه می‌بینید؟

گمان نمی‌کنم که افراد پیشنهادی شورای شهر بتوانند اتفاق خاصی را رقم بزنند و با توجه به فهرستی که شورای شهر ارائه کرده است، تغییر بنیادی‌ای در شهرداری تهران اتفاق نمی‌افتد.

برخی از افراد باور دارند که اکنون در شرایط جنگی به سر می‌بریم. به‌عنوان بحث پایانی بفرمایید با توجه به مشکلات عدیده داخلی، نبود اتحاد میان نیروهای سیاسی و مناقشات خارجی آیا هنوز امکان استفاده از دیپلماسی و بهره‌جویی از ظرفیت مدیریت منسجم داخلی وجود دارد؟

قطعا خرد جمعی همیشه و در هر شرایطی مشکل‌گشاست. مذاکره چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی نشان از خردمندی دولت‌هاست. متأسفانه بعضی از مسئولان، چه در سطوح داخلی و چه در سطوح خارجی، خود را از مذاکره بی‌نیاز می‌دانند؛ درصورتی‌که دیپلماسی یک ظرفیت بزرگ برای رسیدن به اهداف ملی است. چند ماهی است دعوای ترامپ با چین بالا گرفته است؛ اما ترامپ برای کهنه سیاست‌مداران چینی رئیس‌جمهوری ایده‌آل است! آمریکا با خروجش از ترانس‌پاسیفیک، کاهش نیروهایش در کره‌جنوبی و... اقداماتی را انجام داد که چین حتی تصور آن را نمی‌کرد. چین فهمید که ترامپ استراتژیست نیست؛ بلکه یک بیزینس‌من جنجالی است. او به فکر منافع خودش است و چینی‌ها این را متوجه شدند. سیاست ترامپ ایجاد بحران و سپس روکردن یک راه‌حل سطحی به نام خودش است. چین قبول کرد در یک جنگ تجاری امتیازاتی به آمریکا بدهد؛ برای مثال خرید نفت از آمریکا را زیاد کرد و ترامپ این را یک امتیاز می‌داند. دراین‌میان چه کسی برنده شد؟ چینی که امروز در شرق دور یکه‌تازی می‌کند! کاش ما هم به اندازه این کهنه سیاست‌مداران، منافع بلندمدت خود را در یک دیپلماسی قوی می‌دیدیم.

politics@sharghdaily.ir

افشاگری نیویورک‌تایمز علیه عربستان

سعودی‌ها به دنبال قاسم سلیمانی بودند

امیرمحمد حسینی: افشاگری پشت افشاگری. سعودی‌ها قصد داشتند که مقام‌های ارشد ایرانی را ترور کنند؛ این را روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی نوشته که در آن به افشای اطلاعاتی درباره برنامه‌های عربستان‌سعودی علیه ایران پرداخته است. عربستان‌سعودی این روزها زیر ضرب رسانه‌های مطرح جهان است. هنوز جوهر گزارش‌های روزنامه گاردین در رابطه با حمایت مالی سعودی‌ها از شبکه فارسی‌زبان مستقر در لندن خشک نشده که روزنامه نیویورک‌تایمز هم با تیتر «ولیعهد سعودی یک سال پیش از مرگ خاشقجی کشتن دیگر دشمنان را بررسی کرده بود»، وارد کارزار شده است؛ تیتری که هرچند به نظر روی قتل خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی، متمرکز است اما محور دیگری دارد و آن پروژه حذف مخالفان از سوی دولت سعودی است؛ پروژه‌ای که به نوشته نیویورک‌تایمز از یک سال پیش کلید زده شده و دامنه آن به مقام‌های ارشد ایرانی و در رأس آنها فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران نیز رسیده است؛ سردار قاسم سلیمانی. از سوی دیگر در واکنش به این خبر وزیر خارجه ایران به یک رسانه عربی گفته که تهران از طرح سعودی برای ترور شخصیت‌های ایرانی مانند سردار سلیمانی اطلاع داشته است.

خاشقجی جزئی از برنامه ترور

نیویورک‌تایمز در گزارش خود از مقام رده‌بالای اطلاعاتی نزدیک به ولیعهد نام برده است. احمد العسیری همان مقام امنیتی است که حدود یک سال پیش از گروه کوچکی که نیویورک‌تایمز از آنها با عنوان تاجر نام برده، خواسته تا به وسیله شرکت‌های خصوصی دشمنان ایرانی سعودی را ترور کند. اگرچه العسیری در ماجرای خاشقجی یکی از مقاماتی است که به اتهام اقدام خودسرانه برکنار می‌شود و روزنامه آمریکایی هم به این موضوع اشاره دارد، اما یک سال پیش درست زمانی است که به گفته آن رسانه، ولیعهد جوان و جاه‌طلب سعودی مشغول تحکیم قدرت خود و توسعه عملیات نظامی و اطلاعاتی سعودی‌ها در خارج از عربستان بود. به نوشته نیویورک‌تایمز، این اطلاعات بیانگر این است که مقام‌های بلندپایه سعودی یک سال پیش از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار معترض و هم‌زمان با قدرت‌گرفتن بن‌سلمان، ترور مخالفان خود را بررسی می‌کرده‌اند. در این ماجرا نام دو تاجر نیز مطرح است؛ «جرج نادر» تاجر لبنانی- آمریکایی و «جوئل زامل» اسرائیلی و واسطه‌ها یا همان تاجرها نقش رابط بین سعودی‌ها و شرکت‌های خصوصی را بازی می‌کرده‌اند؛ همان شرکت‌هایی که قرار بوده با سرمایه‌گذاری عربستان پروژه‌های مدنظر این کشور را پیش ببرند. نکته دیگر در مورد این دو بازرگان این است که پای هر دو در پرونده دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا نیز در میان است و «رابرت مولر»، بازرس ویژه این پرونده، درباره گفت‌وگوهای آنها با مقام‌های سعودی و آمریکایی درباره این توطئه بازجویی کرده است.

پروژه‌های ترور

مقام‌های مطلع به سه نویسنده گزارش روزنامه چاپ نیویورک گفته‌اند که در جریان جلسات همین تجار با العسیری درباره امکان ترور سردار سلیمانی نیز پرسش شده است؛ مردی که به نوشته نیویورک‌تایمز دشمن مشخص عربستان سعودی قلمداد می‌شده، چراکه احتمالا آنها سردار سلیمانی را مانع بزرگی برای پیشبرد سیاست‌های خود در

منطقه به شمار می‌آورند؛ کسی که بیش از دو دهه است که فرماندهی سپاه قدس را برعهده دارد و از مهم‌ترین فرماندهان جنگ در منطقه با تروریست‌هاست. پیشنهاد ترور مقام‌های ارشد ایرانی و سردار سلیمانی که در این گزارش به طور مشخص از او نام برده شده، از سوی نمایندگان سعودی با تردید افراد حاضر در جلسه روبه‌رو می‌شود. آنها می‌گویند که باید با وکلای خود صحبت کنند. طبق گزارش، وکلای آنها این طرح را به‌شدت رد کرده و تأکید کرده‌اند که در چنین برنامه‌هایی دخالت نمی‌کنند، اما درعین‌حال جرج نادر یک شرکت خصوصی انگلیسی را که مأموران بازنشسته عملیات ویژه انگلیس آن را هدایت می‌کنند به سعودی‌ها پیشنهاد می‌کند؛ شرکتی که مشخص نیست نام آن چیست.

اما یک مقام نزدیک به بن‌سلمان در این زمینه به نیویورک‌تایمز گفت که علاقه ژنرال العسیری به نقشه ترور چیز عجیبی نبوده، اما بیانگر سیاست رسمی عربستان نیست. به گفته این مقام سعودی، تحقیقات عربستان نشان داده که العسیری به‌عنوان یک فرد طردشده قصد داشته با انجام عملیات خودسرانه، بن‌سلمان را تحت‌تاثیر قرار داده و به او نزدیک شود، ولی نیویورک‌تایمز این استدلال را در راستای تطهیر بن‌سلمان رد می‌کند: «نزدیکی العسیری به بن‌سلمان به شکلی که در همه نشست‌هایی که او در ریاض داشته در کنارش بوده است، باورپذیری این ادعاها را که برای تطهیر بن‌سلمان مطرح می‌شود، دشوار می‌کند. این همان استدلالی است که آژانس‌های اطلاعاتی غربی را به این نتیجه رسانده که بن‌سلمان در جریان قتل خاشقجی توسط العسیری بوده است. افزون‌براین، همان‌گونه که مقام‌های سعودی تأیید کرده‌اند، ژنرال العسیری در همان زمانی با نادر دیدار کرده که نادر با بن‌سلمان ملاقات کرده بود. در ایمیلی متعلق به نادر که به دست نیویورک‌تایمز رسیده، این تاجر لبنانی- آمریکایی به مکالمه‌هایی با بن‌سلمان اشاره کرده که درباره پروژه‌های مطرح‌شده با العسیری بوده است».

تخریب اقتصاد ایران

اما قبل از اینکه موضوع ترور مقام‌های ارشد نظامی ایران از سوی سعودی‌ها مطرح و بعد رد شود، در جلسات آنها موضوع خرابکاری در اقتصاد ایران مطرح بوده است. به نوشته نیویورک‌تایمز العسیری در مارس ۲۰۱۷ (فروردین ۹۶) در نشستی حضور داشته که در آن برخی تاجران نقشه‌ای دو میلیارددلاری برای تخریب فضای اقتصاد ایران تهیه کرده‌اند.

در واقع به نوشته نیویورک‌تایمز نادر و زامل از اول سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) نقشه خود را شروع کرده و درباره جنگی اقتصادی علیه ایران مشابه آنچه آمریکا و رژیم اسرائیل در دهه گذشته درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام داده بودند، بحث کردند: «آنها عملیاتی مثل افشای اموال پنهانی سپاه قدس در سراسر جهان، ایجاد حساب‌های کاربری جعلی به زبان فارسی برای دامن‌زدن به آشوب در ایران، تأمین مالی گروه‌های ایرانی مخالف دولت و ایراد اتهام‌های علنی علیه مقام‌های ایرانی برای ایجاد شکاف میان آنان را طرح‌ریزی کردند». جرج نادر دراین‌بین مشاور ولیعهد امارات نیز بود: «نادر که مشاور ولیعهد امارات نیز هست، به همراه زامل بر این عقیده بودند که پیروزی احتمالی هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا به معنای تداوم برجام بوده و اشتهای واشنگتن برای فلج‌کردن اقتصاد ایران را کاهش می‌دهد؛ بنابراین این دو تصمیم گرفتند که نقشه خود را به مقام‌های سعودی و اماراتی ارائه دهند. آنها حتی این نقشه را در نشستی در بلژیک در اختیار ژنرال العسیری گذاشتند»؛ اما انتقال قدرت در آمریکا مطابق با انتظارات دو تاجر پیش نرفت و با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ محاسبات نادر و زامل به هم ریخت و این دو برای متقاعدکردن مقام‌های تیم انتقالی ترامپ و نظامیان سعودی درباره نقشه ضدایرانی خود به نیویورک سفر کردند. در مقابل این دو طرف سعودی یعنی ژنرال عسیری که نام او در این جلسات مطرح شده، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران محمد بن‌سلمان بود که در کنار او قدرت گرفت و به سطوح بالای امنیتی و اطلاعاتی عربستان رسید. به نوشته روزنامه آمریکایی مرتب به واشنگتن سفر می‌کرده و با واسطه‌های وابسته به عربستان در آمریکا دیدار می‌کرده است. در این شرایط نادر و زامل همچنین در هتلی در نیویورک با ژنرال العسیری ملاقات کرده و او را از جزئیات نقشه دو میلیارددلاری خود مطلع کردند؛ اما العسیری گفت که این طرح به‌قدری تحریک‌آمیز و باعث بی‌ثباتی است که باید پیش از آنکه عربستان هزینه‌های مالی آن را بپردازد، به تأیید دولت تازه‌کار ترامپ برسد. بنابراین نادر پس از به‌قدرت‌رسیدن ترامپ بارها با مقام‌های کاخ سفید درباره نقشه تخریب اقتصاد ایران گفت‌وگو کرد. ازجمله طرح‌های آنها نیز عملیاتی مانند افشای اموال پنهانی سپاه قدس در سراسر جهان، ایجاد حساب‌های کاربری جعلی به زبان فارسی برای دامن‌زدن به آشوب در ایران، تأمین مالی گروه‌های ایرانی مخالف دولت و ایراد اتهام‌های علنی علیه مقام‌های ایرانی برای ایجاد شکاف میان آنان بوده است.

به نوشته نیویورک‌تایمز در تحقیقات نویسندگان گزارش درباره برنامه‌های سعودی‌ها، دولت سعودی و وکلای دو بازرگان یعنی نادر و زامل هیچ اظهارنظری نکرده‌اند. سه نویسنده گزارش روزنامه آمریکایی که از واشنگتن، تل‌آویو و لندن بوده‌اند.

رویداد

جدال ظریف با وزیر خارجه آمریکا

● جدال وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه آمریکا ادامه دارد. در آخرین اتفاق نیز مایک پمپئو اظهارات خود در نشریه «نیوزویک» را ساختگی توصیف کرده و به این رسانه آمریکایی حمله کرده است.

پمپئو دیروز دراین‌باره نوشت: «شرم بر نیوزویک که به ظریف کمک کرد تا دروغ‌پراکنی کند. حقیقت این است که آمریکا هرگز غذا و دارو را تحریم نکرده و چنین کاری نمی‌کند. این کالاها و تراکنش‌های مالی مرتبط با نیازهای بشردوستانه از تحریم‌ها مستثنا هستند».

این در حالی است که مایک پمپئو در مصاحبه خود با این نشریه ادعا کرده بود اگر رهبران ایران می‌خواهند مردم این کشور غذا داشته باشند، باید تصمیم بگیرند. در مقابل این ادعا وزیر خارجه ایران در توییتر نوشته بود: «ما فراموش نخواهیم کرد. وزیر امور خارجه، مایک پمپئو در اقدامی از روی استیصال برای اعمال هوا و هوس‌های آمریکایی علیه ایران، به‌طور آشکار مردم ایران را تهدید به گرسنگی دادن که یک جنایت علیه بشریت است، می‌کند. او نیز همانند پیشینیانش خواهد فهمید که با وجود تلاش‌های آمریکا، ایران نه‌تنها بدون قربانی‌کردن تمامیتش دوام خواهد آورد بلکه پیشرفت نیز خواهد کرد». در ادامه ظریف دیروز هم به حمله وزیر خارجه آمریکا به رسانه‌های این کشور واکنش نشان داد. به گزارش «ایسنا» وزیر خارجه ایران خطاب به همتای آمریکایی خود نوشت: «مایک پمپئو این جسارت را دارد که تهدید به جنایت ضدبشری علیه شهروندان عادی ایرانی کند و پس‌ازآن رسانه‌ها را به خاطر نقل حرف‌های خودش مورد هجمه قرار می‌دهد. او باید یا حرف‌هایی را که خودش می‌زند قبول داشته باشد یا حرف‌هایی را که آمریکا می‌گوید رد کند. هر دو با هم ممکن نیست».

ظریف پیش‌تر نیز در توییتی تأکید کرده بود که آمریکا با قطع دسترسی‌های بانکی ایران مانع تأمین غذا و دارو می‌شود. درحالی‌که حتی دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز در قرار موقتی که در پرونده شکایت ایران علیه آمریکا صادر کرده، موضوع تأمین کالاهای بشردوستانه را که شامل غذا، دارو و محصولات کشاورزی می‌شود، لحاظ کرده است.

عضو اصلاح‌طلب مجمع تشخیص مصلحت نظام:

احتمال تصویب CFT در مجمع زیاد است

شرق: هیچ ارزیابی‌ای از وضعیت مجمع در قبال CFT وجود ندارد. اگرچه محمد صدر دیروز گفته است: «در مجمع موافقان و مخالفان لایحه وجود دارند ولی احتمال تصویب آن زیاد است». برای تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم که به مجمع رفته، نیاز به موافقت دوسوم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است. اعضای مجمع ۴۴ نفرند. یعنی برای تبدیل‌شدن این لایحه به قانون، موافقت نزدیک به ۳۰ نفر لازم است. این درحالی است که معدود چهره‌هایی که در مخالفت یا موافقت با لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) صحبت کرده‌اند، به ۱۰ نفر هم نمی‌رسد. با توجه به اینکه اکثر قریب به اتفاق اعضای مجمع اصولگرا هستند، پس با تحلیل گرایش سیاسی آنها هم نمی‌توان هیچ تخمینی در این‌باره زد. دیروز محمد صدر، چهره اصلاح‌طلب مجمع تشخیص مصلحت نظام با سابقه حضور در وزارت خارجه، از احتمال تصویب این لایحه در مجمع سخن گفته است. احمد توکلی، مصطفی میرسلیم، محمدرضا عارف، علی لاریجانی غلامرضا مصباحی‌مقدم و محمدرضا باهنر هم از جمله چهره‌های مجمع تشخیص مصلحت هستند که صراحتا یا به طور ضمنی از موافقت خود با تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم سخن گفته‌اند و حتی فراتر از آن، احتمال تصویب آن در مجمع را ممکن دانسته‌اند. در مقابل، رئیس مجمع یعنی آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، آیت‌الله موحدی‌کرمانی، محسن رضایی، احمد جنتی، سعید جلیلی و محمد یزدی، در جناح مخالفان لایحه قرار دارند. موحدی‌کرمانی پیش از این گفته بود: «من مطمئن هستم شورای نگهبان آن [CFT] را رد خواهد کرد. شورای نگهبان هم که رد کند، به مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد آمد و من معتقدم این مجمع کاملا بیدار است...». هاشمی‌شاهرودی، رئیس مجمع هم که در دو نامه‌نگاری به طور کلی از شورای نگهبان درخواست کرده بود که کل لوایح چهارگانه FATF به‌ویژه CFT تصویب نشود.

از مواضع دیگر اعضای مجمع تشخیص در قبال لایحه CFT اطلاعی در دست نیست. دیروز غلامرضا مصباحی‌مقدم در پاسخ به این سؤال «شرق» که چه برآوردی از وزن موافقان و مخالفان این لایحه در مجمع دارید، گفت:«من هیچ تحلیلی ندارم. شما هم عجله نکنید بگذارید تا زمان بررسی نهایی این لایحه در مجمع مشخص خواهد شد که وزن موافقان و مخالفان چقدر است». با این حال، دیروز محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، به خبرآنلاین گفته است: «دوستانی که با تصویب لایحه CFT مخالفت می‌کنند به این موضوع توجه ندارند که با رد آن، موضع ترامپ در تحریم ایران را تقویت می‌کنیم. روز رد لایحه CFT در ایران روز جشن ترامپ، نتانیاهو و عربستان سعودی است. فکر می‌کنم افرادی که در تریبون‌های نماز جمعه یا سایر تریبون‌ها با این لایحه مخالفت می‌کنند نخست اینکه به طور دقیق نمی‌دانند CFT چیست و دوم اینکه عوارض عدم اجرای آن را نمی‌دانند.اگر ما به این کنوانسیون ملحق نشویم در واقع هدیه بزرگی به ترامپ داده‌ایم زیرا ترامپ به طور جدی به دنبال تحریم ایران و البته گسترش دامنه تحریم‌ها است. در این شرایط اگر CFT را نپذیریم در واقع خودمان تحریم‌های یک‌جانبه ترامپ را به تحریم بین‌المللی تبدیل و همه دنیا را در تحریم‌ها علیه ایران شریک کرده‌ایم به طوری‌که نخواهیم توانست با هیچ کشوری مراودات مالی و بانکی داشته باشیم که قطعا به ضرر مردم و جمهوری اسلامی خواهد بود. سیاست خارجی با منافع ملی و مصالح کشور در ارتباط است بنابراین نمی‌توان در این حوزه رگ گردن را برجسته کرد و فریاد کشید. مخالفان این نکته را درک نمی‌کنند که تصویب‌نشدن CFT خدای نکرده ممکن است مقدمات سقوط جمهوری اسلامی را فراهم کند زیرا فشار اقتصادی وحشتناکی به مردم وارد می‌شود که به هیچ عنوان قابل مقایسه با دوران جنگ نیست».
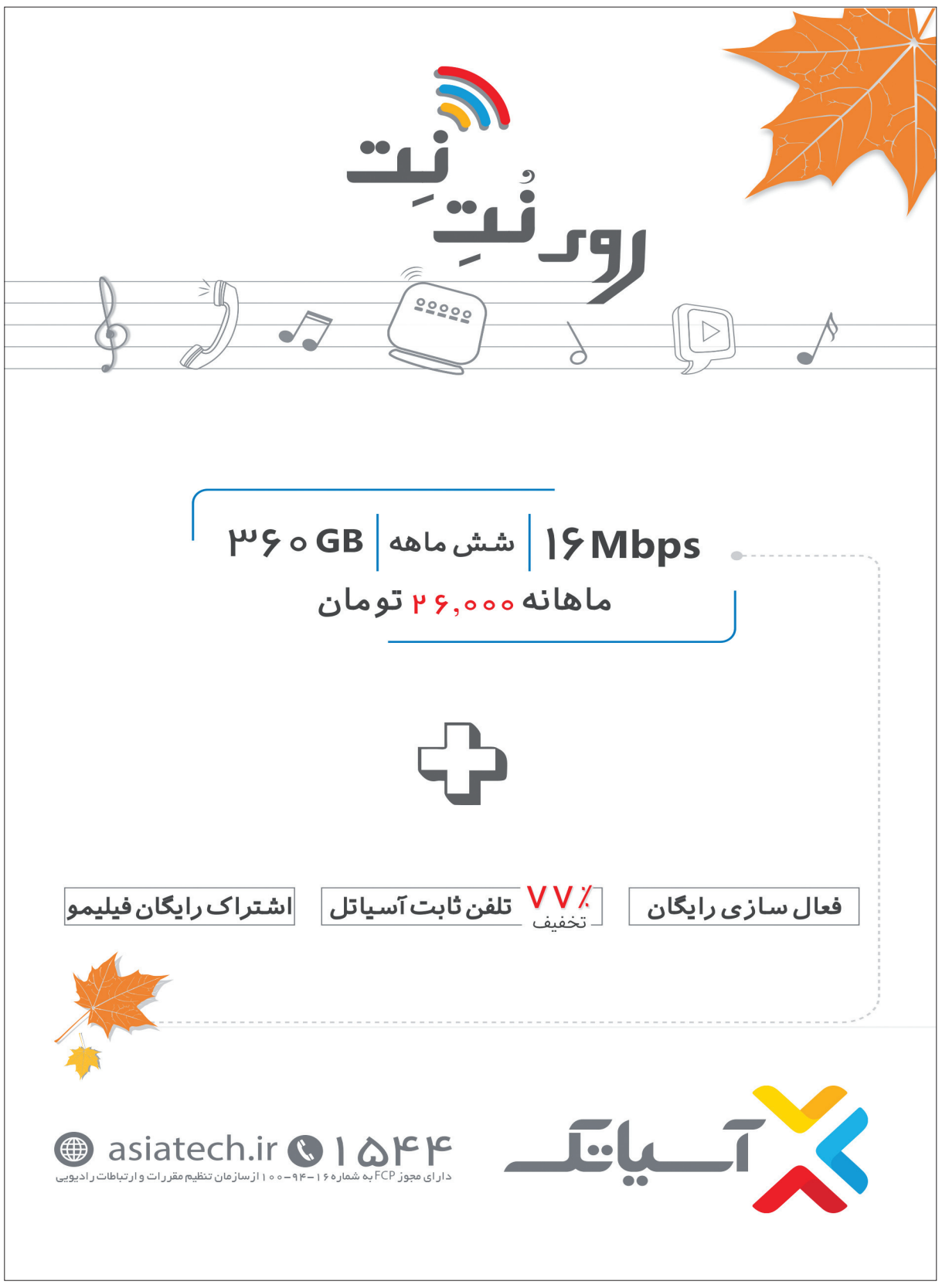
او گفته است: «متأسفانه افراد تندرو و دلواپس مواضعی می‌گیرند که نه تنها به نفع نظام نبوده بلکه حتی به نفع خودشان هم نیست. در قوانین اسلامی آمده کسی به قیم نیاز دارد که حتی منافع خود را هم تشخیص نمی‌دهد، بر این اساس گاهی که اظهارات نمایندگان تندرو را در مجلس می‌شنوم احساس می‌کنم به قیم نیاز دارند چون اظهاراتشان نه تنها به نفع رقبایشان نبوده، بلکه به نفع خودشان هم نیست. امیدوارم این آقایان سر عقل بیایند و در جهت منافع ملی و جمهوری اسلامی حرکت کنند».